

خطاب به

جنبش کارگری - سوسیالیستی / کمونیستی ایران

رفقای گرامی، ما - یاشار آذری و سارا قاضی - به علت اختلافات سیاسی - تشکیلات حدود یک سال پیش از گرایش مارکسیست های انقلابی به اتفاق دو نفر دیگر از رفقا انشعاب کردیم. اطلاعیه این انشعاب قبلاً منتشر شده است و ما بخشی از دلایل این انشعاب را در کتابی گردآورده ایم که به زودی در دسترس همگان قرار خواهد گرفت. پس از قتل فجیح کارگر پیشرو و انقلابی، شاهرخ زمانی، به دلیل اهمیت نقش و دخالت او در جنبش انقلابی کارگری ایران ما خود را موظف دیدیم که علیرغم آماده نبودن کتاب ذکر شده، به نکاتی که اهمیت آن ها را در تجربه کسب کرده بودیم برای توجه پیشروان کارگری در ایران که هنوز چهره های شناخته شده ای نبودند، اشاره کنیم. تا در برابر جنبش انقلابی ایران خود را مسئول ندانیم. به این دلیل اطلاعیه ای تحت عنوان **قتل شاهرخ زمانی هشدار به پیشروی کارگری ایران** بیرون دادیم.

کسانی که در جریان برخورد علیرضا بیانی با ما در رابطه با این اطلاعیه هستند، می دانند که او ما را به شکایتش به دادگاه قضایی در فیسبوک تهدید کرد. اخیراً اما ما از طرف امین کاظمی ایمیلی دریافت داشته ایم در دو بخش

(ضمیمه): یکی به فارسی تحت عنوان «در مورد طرح شکایت قضایی» و بخش دیگر به انگلیسی که حاوی مشخصات واقعی ما به همراه نشانی محل سکونت، سن، شماره تلفن و... می باشد. در بخش فارسی این ایمیل، امین کاظمی که سمت خود را «مسئول پیگیری اتهامات علیه گرایش مارکسیست های انقلابی ایران» معرفی کرده، در ابتدا پیشنهاد معامله ای را در پشت پرده به ما داده و در نهایت به گونه ای که خواهید دید تهدید می کند:

امین کاظمی برای باز کردن در معامله می گوید: «این نامه را برای شما به عنوان آخرین هشدار می نویسم که امیدوارم بتوانیم با توافق یکدیگر این مساله را حل کنیم و فیصله دهیم.»

در قسمت بعدی این نامه امین کاظمی ادامه می دهد: «مجبور شدیم قضاوت به این اتهامات سنگین را به حوزه قضایی نظام بورژوایی واگذار کنیم.» ملاحظه کنید که تنها در همین دو بخش او چگونه از برخوردی به سبک یک بورژوا کاسب گر وارد معامله با ما شده و بعد بلافاصله می خواهد ما را تحویل مقامات قضایی بورژوایی دهد.

کمی پایین نیز امین کاظمی بلافاصله تهدید به لو رفتن مشخصات واقعی ما کرده و می گوید: «اکنون به مرحله ای رسیده ایم که وکیل مربوطه اعلام کرده است برای تنظیم دادخواست و اقامه دعوی، اسامی واقعی شما به عنوان خوانده، می بایست محرر شود، تا به این ترتیب برای هر کدام از امضا کنندگان اعلام موجودیت «کمیسیون مبارزه با بورکراسی»- که به تازگی اطلاعیه ای با همین امضا منتشر کرده و اتهامات امنیتی وارد کرده اند- احضاریه دادگاه صادر شود.»

امین کاظمی در حقیقت خواهان سکوت کامل ما در مقابل اعتراضات و انتقاداتمان به رهبری این گرایش است و می گوید: «بنابراین تا تاریخ ذکر شده شما فرصت خواهید داشت که اطلاعیه اتهام زنی خود علیه گرایش ما را از سایت های که ارسال کرده پس بگیرید و طی اطلاعیه ای صراحتا از گرایش ما برای اتهام زنی عذر خواهی کنید و از دامن زدن به اتهام زنی های مشابه و قرار دادن اسناد درونی گرایش ما به طور علنی پرهیز کنید.»

در نهایت هم، برای تهدید و ارباب ما حتی از قول همکاری با پلیس بورژوایی و افشای «تخلفات» دیگر ما خودداری نمی کند: «لازم به ذکر است که نام و نشانی و عکس شما همراه با تمامی تخلفاتی که در کشورهای خود مرتکب شده اید همراه به اتهامات امنیتی اخیر علیه گرایش ما همه در دادگاه و در سطح جراید خارجی و ایرانی انتشار خواهد یافت.»

ما از جنبش کارگری-سوسیالیستی تقاضا داریم که این گونه تهدیدات و ارباب علیه فعالین جنبش را محکوم کنند و اجازه ندهند با این شیوه های پلیسی و در عین حال کاسبکارانه از انتشار اعتراضات به حق ما جلوگیری شود.

یاشار آذری و سارا قاضی

دوم اکتبر ۲۰۱۵

* * *

در مورد طرح شکایت قضایی ارسال به: سارا قاضی و یاشار آذری

من امین کاظمی به عنوان مسنول پیگیری، بررسی و اقدام در مقابل اتهامات جدی اخیر شما علیه رفیق علیرضا بیانی و گرایش مارکسیست های انقلابی مبنی بر این که گویا «... علی رضا بیانی به زبان دیگری اقرار می کند که این تشکیلات از شاهرخ زمانی استفاده ابزاری به نفع گروه کرده و در نهایت در قبال به قتل رسیدن او در برابر طبقه کارگر ایران مسنول است»، این نامه را برای شما به عنوان آخرین هشدار می نویسم که امیدوارم بتوانیم با توافق یکدیگر این مساله را حل کنیم و فیصله دهیم.

در آخرین اطلاعیه شما اتهامات امنیتی سنگینی به گرایش و رفقای عضو گرایش وارد آمده است. ما اطلاعیه شما را به آن اندازه مرتبط و سیاسی ندیدیم که نیازمند پاسخ باشد، اما ناچار به پیگیری موضوع شدیم، نه از این جهت که شما را قانع و یا دیگران را به حقانیت خود متقاعد کنیم، و نه حتی به این دلیل که به شما درسی داده و خود مدرسی کرده باشیم، فقط به این دلیل که نمی توانیم تحمل کنیم به کارنامه انقلابی گرایش، لکه امنیتی چسبانده شود، و برای حراست از اعتبار شناخته شده و اعاده حیثیت از گرایش، به ناچار، تأکید می کنیم، مجبور شدیم قضاوت به این اتهامات سنگین را به حوزه قضایی نظام بورژوایی واگذار کنیم تا خود ایشان که با این گونه زبان و اتهام زنی های نظام خود به خوبی آشنا هستند در این مورد قضاوت کنند. اکنون به مرحله ای رسیده ایم که وکیل مربوطه اعلام کرده است برای تنظیم دادخواست و اقامه دعوی، اسامی واقعی شما به عنوان خواننده، می بایست محرز شود، تا به این ترتیب برای هر کدام از امضا کنندگان اعلام موجودیت «کمیسون مبارزه با

بورکراسی»- که به تازگی اطلاعاتی ای با همین امضا منتشر کرده و اتهامات امنیتی وارد کرده اند- احضاریه دادگاه صادر شود. بدیهی است هزینه تاکنونی و تا آخرین مرحله رسیدگی دادگاه به عهده کسی یا کسانی خواهد بود که پس از اثبات اتهام، در دادگاه مجرم شناخته شود (شوند). تنها دلیل که باعث شد این نامه را ارسال کنیم موضوع مشخص شدن هویت واقعی شما است که بنا بر ملاحظات سیاسی آن را به اطلاع شما رساندیم تا این خود سندی باشد در اثبات اطلاع رسانی به شما و واگذار کردن باقی روند شکایت به خود شما.

یکی از کارشناس حقوقی و مشاورین بین المللی ما برای ارائه اسناد به دادگاه، نقدا اطلاعاتی در مورد شما جمع آوری کرده است (رجوع شود به نامه انگلیسی ضمیمه که برای اطلاع شما ارسال می شود). این اسناد جمع آوری شده، در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۱۵ به وکلا ارسال خواهد شد.

بنابراین تا تاریخ ذکر شده شما فرصت خواهید داشت که اطلاعاتی اتهام زنی خود علیه گرایش ما را از سایت های که ارسال کرده پس بگیرید و طی اطلاعاتی ای صراحتا از گرایش ما برای اتهام زنی عذر خواهی کنید و از دامن زدن به اتهام زنی های مشابه و قرار دادن اسناد درونی گرایش ما به طور علنی (به عنوان خط قرمز) که تنها می تواند مورد استفاده وزارت اطلاعات قرار بگیرد و جان رفقای ما در ایران را به مخاطره بیاندازد، پرهیز کنید.

بنابراین اگر شما اطلاعاتی ای با همین نام صادر و در همان منابعی که اطلاعاتی پیشین را درج کرده بودید، منتشر کنید، ما نیز به لحاظ سیاسی موظف خواهیم شد روند دادخواست را متوقف کنیم و به این ترتیب جلوی فاش شدن اسامی حقیقی شما گرفته خواهد شد، و چنان چه به این موضوع بی اعتنا بوده و هیچ اقدامی در بازپسگیری اتهامات تا ۵ اکتبر ۲۰۱۵ انجام ندادید، بر

اساس همین سندی که اکنون ملاحظه می کنید، ما ثابت خواهیم کرد که حتی تا لحظه آخر در تلاش برای حل مسأله خارج از حوزه دادرسی قضایی و کیفری بوده، اما موفقیت حاصل نکرده ایم، و متأسفانه چاره ای نخواهیم داشت که اقدامات قضایی علیه شما را عملی کنیم.

لازم به ذکر است که نام و نشانی و عکس شما همراه با تمامی تخلفاتی که در کشورهای خود مرتکب شده اید همراه به اتهامات امنیتی اخیر علیه گرایش ما همه در دادگاه و در سطح جراید خارجی و ایرانی انتشار خواهد یافت. به امید این که تا تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۱۵ با برخورد مسئولانه از سوی شما، این مسأله فیصله یابد، زیرا قصد ما مطلقاً اطمینان زدن شخصی، سیاسی، امنیتی و مالی به شما نیست.

مسئول پیگیری اتهامات علیه گرایش مارکسیست های انقلابی ایران

امین کاظمی

بیست هفت سپتامبر ۲۰۱۵

قتل شاهرخ زمانی

هشدارى به تمام کارگران پیشرو فعال و انقلابی

قتل شاهرخ زمانی، توسط رژیم سرمایه داری شبه فاشیستی جمهوری اسلامی در روز یکشنبه گذشته ۲۲ شهریورماه، بار دیگر ماهیت این دولت سرمایه داری را در رابطه با امپریالیزم جهانی و مبارزات طبقاتی در داخل ایران آشکار نمود و بار دیگر هشدارى به تمام نیروهای مترقى و فعال درون جنبش کارگرى است که توجه به نکات زیر را امرى ضرورى و بلااستثناء مى گرداند:

۱- از سال ۱۹۸۹ و به دنبال سقوط کرمئین، سیاست های سرکوبگرانه امپریالیستی در سطح جهان و به ویژه در خاورمیانه وارد مرحله نوینی گردید. در راستای این سیاست ها که از طرف باتک جهانی دیکته می شود، برای سرکوب کامل و جبران ناپذیر نیروهای انقلابی و سوسیالیستی کشورهای خاورمیانه، نابودی کشورهای منطقه به دست عناصر داخلی در دستور کار است. به خاک و خون کشیده شدن کشورهای عربی منطقه در پی «بهار عربی» به منظور نابودی کامل این نیروها بوده است. امپریالیزم با استفاده از مدرن ترین تکنولوژی، سیاست های حساب شده خود را به نحوی دارد پیاده می کند که عموماً بر خلاف دخالت مستقیم اش در افغانستان و عراق، دخالتی غیرمستقیم بوده و عناصر رذل داخلی خود را در رهبری نیروهای تروریست و سرکوبگری مانند داعش، طالبان، القاعده، به جای خود، به خدمت گماشته

است که با نیروهای اطلاعات و امنیت امپریالیستی (سیا آمریکا) و داخلی، همکاری پایاپای داشته باشند. برای مبارزه با امپریالیزم امروز باید با این سیاست ها و ابزار تکنولوژیکی جدید آشنایی داشته و خود را در برابر آن ها حتی الامکان مصون از آسیب نمود.

۲- تمام فعالان جنبش کارگری ایران که خواهان برچیدن این رژیم و کل نظام سرمایه داری از راه انقلاب کارگری-سوسیالیستی می باشند، الزاماً می باید در حفظ تمام و کمال ضوابط و اصول مخفی کاری در کار تشکیلاتی دقت نمایند. کوچک ترین شبهه ای در این مورد باعث لو رفتن و نهایتاً از دست دادن جان خود و دیگران خواهد شد.

۳- درون هرگونه سازماندهی و کار تشکیلاتی کارگری و یا سوسیالیستی (مانند کار درون کارخانجات، کمیته های اعتصاب و یا کار درون یک تشکیلات سیاسی مانند هسته های کارگری سوسیالیستی)، هشیارانه برخورد کردن، امری ضروری و اصولی است، زیرا باید بتوان فعالان حزب توده و اکثریتی ها را شناسایی کرده و ضمن ممانعت از حضور و دخالت آن ها در این گونه تشکیلات، هر یک را با نام و نشان مشخص به کارگران درگیر و کل جنبش معرفی کرد. حزب توده و اکثریت ها از ابتدای انقلاب ۱۳۵۷ تا کنون همواره یکی از ابزار و نیروهای مخفی و ضربت رژیم جمهوری اسلامی بوده اند و لذا درون تشکیلات کارگری و انقلابی نفوذ کرده و این سازمان ها را به راست کشیده و نهایتاً نیروهای مترقی و انقلابی و فعال درون این سازمان ها را لو می دهند. حتی اگر توده ای ها و یا اکثریتی ها با عملکردهای خود اثبات کنند که تبدیل به یک فرد کاملاً انقلابی شده اند، باز هم از لحاظ تشکیلاتی حتماً باید خارج از تشکیلات قرار گیرند و دادن هرگونه اطلاعات تشکیلاتی حتی به این

افراد می باید خیانت محسوب گردد تا بتوان پیشروان کارگری را حتی الامکان از آسیب های جانی حفظ کرد.

۴- در پی توافق اخیر رژیم با آمریکا باید هشیارانه توجه داشت که در نتیجه ی این گونه توافقات هیچ گونه «گشایش» ای به نفع کارگران و زحمتکشان تحت ستم ایجاد نخواهند شد، بلکه شرایط باز هم بدتر خواهد شد. این به اصطلاح گشایشات تنها به منظور هرچه محکم تر کردن پایه های رژیم بوده و منافع آن در داخل ایران تنها به جیب عناصر رژیم و سرمایه داران بزرگ می رود. لذا در این مقطع، تنها نتیجه ای که عاید کارگران و زحمتکشان ایران می شود، دور جدیدی از سرکوب ها و بیکارسازی ها است که از این پس، از حمایت مستقیم کشورهای امپریالیستی و در رأس آن بانک جهانی برخوردار می باشد. از این پس، حتی اگر اعدام ها از شکل سنتی حلق آویز کردن هم لغو شود (مثل امروز ترکیه)، باز هم کشتار نیروهای مترقی با استفاده از روش های معمول در کشورهای امپریالیستی، متداول شده و نه تنها کمکی به حفظ جان مخالفان دولت سرمایه داری ایران -چه سوسیالیست های انقلابی باشند و چه حتی براندازی طلبان بورژوا- نمی کند، بلکه میزان قتل این نیروهای مترقی به طرق مختلف (مانند به قتل رساندن شاهرخ زمانی، افشین اساتلو و جمیل سویدی و...) بالاتر هم خواهد رفت، زیرا که دیگر اعدام به شکل کریه آن که باعث ضربه مستقیم به رژیم باشد، نیست؛ این ها قتل های سبک معمول در کشورهای غربی است که از دیر باز مخالفان خود را با ظاهری از مرگ «طبیعی» از بین می برده اند. این روش هر روز در حال گسترش در سایر کشورهای جهان است.

۵- ما ارتباط علنی «گرایش مارکسیست های انقلابی» را با شاهرخ زمانی که بارها از طریق مقالات و اعلامیه ها به اسم شاهرخ زمانی پخش شده، به شدت محکوم می کنیم و حتی در دوره ای که با «گرایش» همکاری می کردیم، مخالف فعالیت این «گرایش» در داخل زندان ها بودیم و به مازیار رازی خاطر نشان می کردیم که این سبک از کار شما با شاهرخ زمانی، جان او را به مخاطره می اندازد، اما از آن جایی که مازیار رازی از افرادی که با او همکاری می کنند استفاده ابزاری می کند در جواب ما می گفت که او را نمی توانند بکشند زیرا او یک فرد شناخته شده است... و با وجود عناصر اکثریتی و استالینیست درون گرایش مارکسیست های انقلابی که در ظاهر خود را تروتسکیست معرفی می کنند، جان کارگران فعال زندانی در ایران را به مخاطره می اندازند. برای نمونه، علیرضا بیانی در صحبت رادیویی با «رادیو سپهر» در سوند می گوید:

(<http://www.radiosepehr.se/interviews/۲۰۱۵/Tribonazad۱۵۰۹۱۴.mp۳>)

با شاهرخ زمانی به طور مرتب و روزانه در ارتباط تلفنی بوده است. اگر ما این حرف علی رضا بیانی را باور کنیم، سنوالات زیر مطرح می گردد:

الف. به چه دلیل چنین رژیم جنایتکاری، به شاهرخ زمانی اجازه داد تا چنین ارتباطاتی را با خارج از زندان داشته باشد؟ قتل او طبعاً ناشی از «گشایشات» اخیر در روابط بین رژیم و آمریکا و باز شدن جو سیاسی در ایران به نفع شاهرخ زمانی نبوده است، زیرا در آن صورت نمی بایستی شاهرخ زمانی را به قتل می رساندند. لذا باید نتیجه گرفت که این، یک برنامه حساب و کنترل شده از جانب رژیم بوده است. به این ترتیب، شاهرخ زمانی در منجیقی بین رژیم و یک اکثریتی قرار گرفته بود که نهایتاً او را به نابودی کشاندند.

ب. فرض کنیم که حرف های علی رضا بیانی درست باشد، عملکرد شاهرخ زمانی از درون زندان نشانه مسلط نبودن او به مسائل نظری-سیاسی ماهیت انقلابی مبارزات طبقاتی است. به این معنی که شاهرخ زمانی در تبیین نوع فعالیت تشکیلاتی خود چه پیش از دستگیری و چه از درون زندان، برخوردی «قهرمانانه» با سنت خرده بورژوازی داشته است. در حالی که در سنت سوسیالیست های انقلابی، زنده ماندن و امکان و شرایط مبارزه را بهتر و گسترده تر کردن و نظام سرمایه داری را از پای درآوردن، از وظایف انقلابیون است. ما در مبارزات طبقاتی برای برچیدن نظام سرمایه داری و رسیدن به سوسیالیزم، عامدانه و آگاهانه به دنبال «شهید» شدن یا «قهرمان» شدن نیستیم. به این دلیل است که اصل رعایت ضوابط مخفی کاری متناسب با شرایط، از ملزومات یک مبارزه ی طبقاتی پیروزمند است.

د. علیرضا بیانی می گوید این بدیهی بود که عاقبت او را می کشتند و هرگز از زندان آزاد نمی شد! اگر این امر برای گرایش مارکسیست های انقلابی و نیز شاهرخ زمانی آشکار بود، پس در پی چنین ارتباط «نزدیکی» با شاهرخ زمانی، این گرایش می بایستی او را از اشتباه بیرون می آورد و به جای فرهنگ مبارزات قهرمانانه خرده بورژوازی و از «جان گذشته»، فرهنگ انقلابی مبارزات کارگری را برای رسیدن به انقلاب سوسیالیستی جا انداخته و به او کمک می کرد که اولاً از ابتدا دستگیر نمی شد و دوماً در زندان به هر طریقی شده راه خود را برای بیرون آمدن هر چه زودتر باز می کرد؛ «گرایش» بایستی برای او روشن می کرد که مبارزات طبقاتی در حال حاضر در ایران به وجود او درون جنبش بیشتر نیاز دارد و زنده ماندن او بهتر او را برای رسیدن به اهدافش یاری می کرد تا به قتل رسیدنش!

در این جا، اگر فرض را بر این بگذاریم که علیرضا بیانی دروغ نمی گوید، در تماس های اولیه او با شاهرخ زمانی شاید مأمورین رژیم در زندان متوجه نبوده و نتوانستند همه زندانی ها را کنترل کنند، اما باید دید که وقتی همه چیز علنی شده است، چرا این رژیم اجازه می دهد که یک زندانی سیاسی هر روز با یک اکثریتی تماس داشته باشد؟ این طبعاً برای شناسایی سایرینی بود که هنوز شناسایی نشده اند. پس یک چنین ارتباط تنگاتنگی با شاهرخ زمانی به وسیله علیرضا بیانی نمی توانسته در خدمت مبارزه ی طبقاتی باشد.

وقتی علیرضا بیانی عملاً به این روابط خود با شاهرخ زمانی اشاره می کند و می گوید در این که او را آزاد نمی کردند شکی نداشت، با این حال، گرایش مارکسیست های انقلابی برای تغییر این وضع هیچ گونه اقدامی نکرد. در این جا، از دید سنت مبارزات طبقاتی سوسیالیست های انقلابی، علی رضا بیانی به زبان دیگری اقرار می کند که این تشکیلات از شاهرخ زمانی استفاده ابزاری به نفع گروه کرده و در نهایت در قبال به قتل رسیدن او در برابر طبقه ی کارگر ایران مسنول است.

کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری

۲۴ شهریور ۱۳۹۴